

## پیشگیری از تکرار جرم

دکتر محمدعلی بابایی \*

**چکیده:** تکرار جرم به عنوان یکی از مظاهر حالت خطرناک جوامع مختلف را به موضعگیری‌های متنوعی واداشته است. سنتی‌ترین پاسخ در قبال این پدیده ناخوشایند توسل به شدت کیفرهاست که هنوز در قانونگذاری بعضی از کشورها، با تعابیر جدیدتر خودنمایی می‌کند. اما علی‌رغم تشدید کیفر و حتی در بعضی مواقع طرد بزهکار مکرر، تکرار جرم افزایش یافته است. به دنبال ظهور ناکارآمدی کیفر در مقابله با تکرار جرم، اندیشه بازپروری و خنثی کردن خوی جامعه‌ستیزی در بزهکاران مکرر قوت گرفته است. شناسایی شخصیت بزهکار و علل ارتکاب جرم بعد از ارتکاب اولین جرم، در چهارچوب دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی با هدف بازگرداندن بزهکار به زندگی سالم اجتماعی صورت می‌گیرد که غایت آن پیشگیری از تکرار جرم است. امروزه این اندیشه‌ها در اجرای کیفر به ویژه کیفر زندان، مورد توجه خاص دست‌اندرکاران سیاست جنایی است.

در این نوشتار سعی شده است پس از بیان پیشگیری کیفری از تکرار جرم به دلیل ناکارآمد بودن این نوع پیشگیری، از منظر دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی به موضوع تکرار جرم پرداخته شود و موضع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در این زمینه تبیین گردد.

**کلید واژه‌ها:** تکرار جرم، پیشگیری، جرم‌شناسی بالینی، قابلیت‌زدایی

بزهکاری، مراقبت بعد از خروج

## مقدمه:

تکرار جرم یا به عبارت بهتر بازگشت به رفتار جنایی، صرف نظر از هزینه‌هایی که بر اقتصاد جامعه و بودجه عدالت کیفری، تحمیل می‌کند، نظم و امنیت عمومی را نیز به مخاطره می‌اندازد. به همین اعتبار یکی از مهم‌ترین معیارهای قانونی خطرناک بودن فرد محسوب می‌شود.

عقیده بر این است که رفتار کیفری مکرر و به ویژه رفتار خشونت‌بار مجرمانه، نشان‌دهنده تمایل و رغبت و در عین حال اصرار بزهکار به ارتکاب جرم در آینده است. یعنی با توجه به سوابق کیفری بزهکار می‌توان حدس زد که وی در آینده نیز مرتکب جرم خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

بزهکاری که به علت ارتکاب جرم تحت تعقیب قرار گرفته و نهایتاً به موجب حکم قطعی به تحمل مجازات محکوم شده است، چنانچه مجدداً مرتکب جرم گردد، خطرناک‌تر از کسی است که برای جرائم قبلی اش در پنجه عدالت کیفری گرفتار نشده است. زیرا در مورد اول، معلوم می‌شود که بزهکار از تعقیب و محدودیت‌های اعمال شده از طریق دستگاه عدالت کیفری متنبه نشده و مجازات سابق نیز اثر بازدارنده نداشته است. اما در مورد دوم که شخص علی‌رغم ارتکاب جرم گرفتار دستگاه عدالت کیفری نشده است، چنانچه مرتکب جرم دیگری گردد، به دلیل اینکه هنوز آثار بازدارندگی مجازات نسبت به او تجربه نشده است، نمی‌توان به قطع و یقین وی را خطرناک دانست.

بدین ترتیب کسی که مجدداً مرتکب جرم می‌شود، پرده از راز نهفته‌ای برمی‌دارد که نشان‌دهنده انحراف از ماهیت و طبیعت جامعه‌پذیری است، لذا باید وسایل دفاع اجتماعی و تدابیر جامعه‌پذیر کردن چنین افرادی در جامعه،

1. Norval Morris (1951): *The Habitual Criminals*, London, Longman Green, p.130.

فعال تر گردد. کما اینکه بعضی از علمای حقوق عقیده دارند: مجازات چنین افرادی باید شدیدتر گردد و چنانچه مجازات‌های اجرا شده اثربخش نباشد، باید نوع مجازات و تدابیر را تغییر داد و در صورت لزوم بزهکار را در وضعیتی قرار داد که توان ارتکاب جرم از او سلب گردد.<sup>(۱)</sup>

مطالعات انجام شده در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که اقلیت خاصی از افراد، مرتکب اکثریت جرائم در جامعه می‌شوند، به طوری که گفته می‌شود، حدود ۱۰ درصد از جمعیت جنایی حدود ۵۰ درصد کل جرائم را مرتکب می‌شوند. این افراد همان کسانی هستند که مرتکب جرائم متعدد شده و دارای سوابق محکومیت فراوان می‌باشند. موریس کوسون از این بزهکاران مکرر به «آبر بزهکار» یاد می‌کند.<sup>(۲)</sup>

همچنین تحقیقی در اسپانیا که بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ انجام شد، نشان داد که ۴۵ درصد زندانیان ظرف سه سال پس از آزادی، مجدداً مرتکب جرائم دیگر شده‌اند. این میزان در آمریکا ۶۰ درصد تخمین زده شده است.<sup>(۳)</sup>

متأسفانه در ایران منابع قابل اطمینان که نشان‌دهنده نرخ تکرار جرم باشد و عموم پژوهشگران بتوانند از آن استفاده کنند، در دسترس نیست، بلکه صرفاً در خصوص بعضی از جرائم نظیر جرائم مواد مخدر می‌توان به آمارهای احتمالی دست یافت.

به هر حال پدیده تکرار جرم را باید معضل مشترک نظام‌های حقوق کیفری دنیا دانست که راهکارهای متنوعی برای مقابله و پیشگیری از آن

۱. ح. سمعی، حقوق جزا، تهران، چاپخانه شرکت مطبوعات، چاپ چهارم، سال ۱۳۳۳، ص ۸۸.

۲. گسن (ریموند)، جرم‌شناسی نظری. ترجمه کی‌نیا (مهدی)، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۴، ص ۲۱۶.

۳. آشوری (محمد)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، چاپ اول، سال ۱۳۸۲، ص ۴۲.

اندیشیده شده است.

در حقوق ایران محمل قانونی پیشگیری از تکرار جرم را باید در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یعنی: «اقدام مناسب قوه قضائیه برای اصلاح مجرمان» جست و جو نمود. اما باید دید منظور از اقدام مناسب چیست؟ در این نوشتار به طور خلاصه پیشگیری کیفری و سپس پیشگیری در چهارچوب تدابیر جرم‌شناسی بالینی مورد توجه قرار می‌گیرد. در همین جا باید متذکر شد که بررسی تدابیر مربوط به جرم‌شناسی بالینی در مقابله با تکرار جرم، مخصوصاً تکرار جرائمی که مستوجب حبس است، نیاز به نگارش دهها مقاله دارد چرا که جدیدترین مطالعات و پژوهش‌ها، نتایج بسیار جالبی را در این زمینه به همراه داشته است که بیان همه این نتایج در این مقال نمی‌گنجد.

#### ۱. پیشگیری کیفری از تکرار جرم

منظور از پیشگیری کیفری، هدفی است که قانونگذاران با اِعمال مجازات نسبت به بزه‌کاران به طور عام و تشدید آن نسبت به بزه‌کاران مکرر به طور خاص تعقیب می‌نمایند و امیدوارند با تحمیل مجازات از ارتکاب جرائم بعدی این بزه‌کاران، جلوگیری کنند.

دیدگاه کیفرمدارانه در قبال این پدیده ناخوشایند، در تاریخ حقوق کیفری، با فراز و فرودهایی همراه بوده است. در بعضی از مقاطع تاریخی اِعمال کیفرهای شدید که در اغلب موارد با طرد و حذف کامل بزه‌کار همراه بود، عملاً پدیده تکرار جرم را منتفی می‌ساخت. زیرا با حذف و طرد بزه‌کار امکان تکرار جرم از بین می‌رفت و طبیعتاً مقابله با آن نیز منتفی می‌شد. اما اصلاحات قانونگذاری بعد از قرن نوزدهم که متأثر از فراگیری اندیشه‌های بازپروری بزه‌کاران و رویگردانی تدریجی از شدت کیفر به سوی تعدیل آنها بود، دوباره راه‌های مقابله با تکرار جرم و پیشگیری از آن را به وجود آورد. بدین ترتیب اندیشه بازگرداندن مجدد بزه‌کاران به جامعه پس از اتمام ضمانت اجرای کیفری، فرصت تکرار جرم را برای بزه‌کاران و اندیشه‌های

پیشگیری و مقابله با این پدیده را برای دست‌اندرکاران سیاست جنایی و مخصوصاً متولیان نظام عدالت کیفری فراهم نموده است.

طبیعتاً، اولین و عمومی‌ترین راه‌حل قانونگذاران برای مقابله با این پدیده، شدت بخشیدن به کیفرهاست. این اندیشه که بیش از یک قرن بر اندیشه‌های کیفری حکومت داشت، همواره آرزو می‌کرد که افزایش شدت کیفرها، تکرار جرم را کاهش دهد. اما این آرزو برآورده نشد و نهایتاً با ظهور و بسط مطالعات جرم‌شناسانه تأکید بر بازپروری بزهکار و اجتماعی کردن مجدد وی به جای مجازات‌های خشن، برتری یافت. در این اندیشه‌ها بزهکاران مکرر بیش از آنکه به عنوان مجرم مورد توجه قرار گیرند، به دیده بیمار نگریسته شدند. بنابراین زندان قبل از آنکه محلی برای گذران دوران محکومیت و حبس باشد، به عنوان وسیله‌ای برای درمان بزهکار، مطرح شد. باید توجه داشت که هرچند جنبه‌های اصلاحی و درمانی بعضی از کیفرها از قبیل حبس بر جنبه‌های سزادهی آنها برتری یافته است ولی هنوز این تفوق و برتری مطلق نیست. در بعضی موارد اظهارنظرهایی از سوی نظریه پردازان امور جنایی ارائه گردیده است که نشان می‌دهد بارقه‌های امید به سزادهی مجازات‌ها در قبال تکرار جرم با هدف پیشگیری از آن، همچنان در حال پرتوافشانی است. در سال ۱۹۹۳ داگ لوئیس<sup>(۱)</sup> یکی از دادستان‌های ایالتی مشهور کانادا پیشنهاد کرد در مورد بعضی از مجرمان که مجازات آنها در شرف اتمام است، چنانچه تهدیدی برای جامعه باشند و احتمال تکرار جرم در آنها وجود داشته باشد، باید کماکان در زندان به سر ببرند. متقابلاً وزیر دادگستری وقت کانادا آقای آلن رک<sup>(۲)</sup> ضمن پذیرش استمرار سلب رفت و آمد زندانی، نیل به هدف جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم را در قالب توقیف

1. Doug Lewis.

2. Allen Rock.

مدنی (civil commitment) جست‌وجو می‌کرد. ولی در هر حال عقیده بر این بود که استمرار این‌گونه حبس‌ها مستلزم رسیدگی مجدد دادگاه است.<sup>(۱)</sup> حتی فراتر از موارد فوق بعضاً پیشنهاد شده است که بز هکاران مکرری که جرم ممر درآمد و معاش آنها شده است باید پس از ارتکاب جرم به صورت دائم زندانی شوند تا نرخ تکرار جرم کاهش یابد.<sup>(۲)</sup> زیرا چنین فردی در طول زمان مرتکب جرم شده است و یک بز هکار همیشگی است و جرائم فراوانی را نیز مرتکب خواهد شد.<sup>(۳)</sup>

هرچند در موارد دیگر نیز حبس با مدت نامعین با هدف پیشگیری از تکرار جرم، برای بعضی از بز هکاران تجویز شده است ولی باید خاطر نشان کرد که چنین دیدگاهی همواره با ایرادهای فراوان دست به گریبان است و تالی فاسدهای فراوانی به همراه دارد. زیرا در چنین مواردی رسالت اصلاحی و بازپذیری مجدد به انجام نمی‌رسد، بلکه با مانع مواجه می‌شود. شخصی که برای مدت نامعین حبس می‌شود، انگیزه اصلاح‌پذیری خود را به دلیل ناامیدی از پایان حبس خود، از دست می‌دهد و سرنوشتی چون افسردگی در انتظار اوست.

در قوانین و مقررات ایران نیز تجویز استمرار سلب آزادی محکوم علیه به منظور پیشگیری از تکرار جرم بی سابقه نیست. طبق ماده ۳ قانون حفظ امنیت اجتماعی مصوب ۱۳۳۶/۱۲/۲۲: «هرگاه در مدت اجرای مجازات اعم از اینکه قبل یا بعد از اجرای این قانون مورد حکم قرار گرفته باشد کمیسیون

1. Balachiefield, m. (1995): Don't use Hospital as Jails, expert plead, plan would a send sex offenders to mental institution, ottawa.
2. Alfred Blumstein, Jacqueline colchen, Jeffrey. A. Roth and christy A. visher (1986): Criminal Careers and Career Criminals, National Academy Press. washington D.C. PP.55-60.
3. Also see: wolfgang Marvin, robert. M. Filigo and Thorsten sellin (1972): Delinquency in a Birth cohort. university of chicago press. p.123.

امنیت اجتماعی محل وقوع بزه تشخیص دهد که اعمال و رفتار متخلف حاکی از ادامه ارتکاب بزه پس از اتمام مجازات است، کمیسیون به ترتیب مذکور در این قانون مجدداً رسیدگی می نماید و می تواند متخلف را برای دفعات بعد به حداکثر مجازات مقرر در ماده ۱۶ قانون کیفر عمومی (سه سال) محکوم نماید. در این صورت حکم مزبور بلافاصله پس از خاتمه مجازات اولیه اجرا خواهد شد.» هرچند در حال حاضر با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی، یعنی اصل قانونی بودن جرم، مجازات، تشکیل محکمه و دادرسی، قانون فوق جایگاهی ندارد ولی از حیث سابقه، قابل توجه است. افزون بر این، در ماده ۵ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ نیز نگهداری محکوم به حبس در تبعیدگاه برای مدت نامعینی، به منظور پیشگیری از تکرار جرم تجویز شده بود. طبق این ماده: «هرگاه کسی به علت ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که به موجب قانون مجازات حبس برای آن پیش‌بینی گردیده دو مرتبه یا بیشتر محکوم به حبس بیش از دو ماه شده و بعد از اجرای مجازات مرتکب جرمی شود که مستلزم مجازات حبس است و از این رو دادگاه تشخیص دهد که مشارالیه دارای حالت خطرناک بوده و تمایل به ارتکاب جرائم داشته باشد مجرم به عادت محسوب و دادگاه می تواند حکم نگهداری او را در تبعیدگاه برای مدت نامعینی صادر نماید.» هرچند قانون اقدامات تأمینی ۱۳۳۹، قانونی بود که مرده متولد شد ماده یاد شده نیز در عمل اجرا نشد، اما از حیث وجود مقررات همسو با اهداف پیشگیرانه از تکرار جرم، قابل توجه است.

نمود بارز پیشگیری کیفری از تکرار جرم، در حال حاضر توسل به کیفر زندان است. زندان به عنوان متداول‌ترین ضمانت اجرای کیفری، سابقه بسیار طولانی دارد. اما جدیدترین تعابیر از این مجازات که تا حدی می‌توان خصوصیت مقابله با پدیده تکرار جرم است، با عنوان «قابلیت زدائی»،<sup>(۱)</sup>

مطرح می‌شود. این مفهوم بر این فرض استوار است که بزهکاران تا زمانی که در زندان باشند، قابلیت و توانایی ارتکاب جرم را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر با سلب آزادی محکوم علیه و بزهکار قابلیت هرگونه ارتکاب جرم مجدد، از وی سلب می‌شود. اما با تأکید بیشتر به پدیده تکرار جرم از منظر سلب آزادی بزهکاران، پیشنهاد شده است در مورد بعضی از بزهکاران که احتمال تکرار جرم در آنها بیشتر است از سیاست «قابلیت‌زدایی گزینشی»<sup>(۱)</sup> استفاده شود. یعنی در مورد بزهکاران خاص باید راهکار روشمندی در زندان اندیشیده شود تا با اتخاذ تدابیر خاص نسبت به سلب توان بزهکاری این گونه بزهکاران، اقدام نمود.

اندیشه توسل به مجازات حبس برای مقابله با پدیده تکرار جرم باعث شده است که در بعضی از کشورها قوانینی با هدف فوق و با رویکرد تشدید کیفر و تجویز حبس‌های طولانی مدت، قدرت اجرایی پیدا کنند. قوانین معروف «Three Stricks and your out» در آمریکا از این قبیل قانونگذاری‌ها محسوب می‌شود، به طوری که پس از سومین محکومیت مجازات‌های حبس طولانی مدت تجویز شده است.<sup>(۲)</sup>

تدابیر کیفری فوق در قالب تعابیر گوناگون هرچند جامعه را برای مدتی که بزهکار در زندان به سر می‌برد، از امنیت برخوردار می‌کند ولی باید توجه داشت که بسیاری از بزهکاران که در شرایط جرم‌زای زندان به سر می‌برند، به طور روزمره آزاد می‌شوند. از طرفی باید به پرهزینه بودن زندان و عدم امکانات لازم با توجه به تراکم جمعیت کیفری، نیز عنایت داشت. این مشکلات باعث شده است که توسل به ضمانت اجرای فوق عملاً در رسیدن

1. selective Incapacitation.

2. Frank Zelgler and Ronaldo. v. Delcarmen (editars) (1998): Constitutional Issue Arising From. "Three Strikes And your out" legislation. SAGE Publication, p.14.



به اهداف خود، ناکارآمد باشد. لذا باید تدابیر دیگری اندیشیده شود.

۲. پیشگیری از تکرار جرم در چهارچوب دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی این نوع پیشگیری همان گونه که از عنوان جرم‌شناسی بتالینی استنباط می‌شود، مبتنی بر الگوی معمول در پزشکی است. بدین توضیح که باید نخست بزهکار پذیرش شود، سپس علت ارتکاب جرم بررسی و تشخیص داده شود، آن‌گاه بر اساس علت ارتکاب جرم و معیارهای دیگر طبقه‌بندی صورت گیرد و در این راستا باید از تدابیر و روش‌های درمانی با هدف کاهش و بی‌اثر کردن زمینه‌هایی که علت ارتکاب جرم تلقی شده‌اند، استفاده شود و نهایتاً بزهکاران پس از آزادی تحت مراقبت‌های خاص قرار گیرند. ملاحظه می‌شود که مراحل فوق همانند مراحل مختلف پذیرش، تشخیص، تجویز دارو و دوران نقاهت در معالجات پزشکی است.

در رابطه با پیشگیری از تکرار جرم در چهارچوب سازوکارهای جرم‌شناسی بالینی همان‌گونه که دی تولیو در سال ۱۹۵۸ در رم تأکید کرده است، اصول زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. مطالعه بر روی بزهکار و رفتار او از کلیه جوانب با استفاده از معاینه پزشکی و اجتماعی که ماهیتاً چند بعدی است.

۲. ارزیابی شخصیت بزهکار و خطرناکی او.

۳. تحت ضابطه در آوردن برنامه‌های اصلاح و درمانی که باید اجرا شود.

۴. دنبال کردن اجرای برنامه‌های اصلاح و درمان و کنترل نتایج آن.<sup>(۱)</sup>

شخصیت هر فرد، ساختار پویایی است که به تدریج و در طول زمان شکل می‌گیرد و از آن پس تحت نفوذ عوامل گوناگون متحول می‌شود. هرچند امروزه به پدیدهٔ مادرزادی بودن بزهکاری، اعتقاد راسخی وجود ندارد، ولی

۱. نجفی ایرندآبادی (علی حسین) و هاشم‌بیگی (حمید)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۴۴.

این باور که بعضی از عوامل فردی در تمایلات و سوسه‌انگیز مجرمانه، نقش آفرین‌اند، به فراموشی سپرده نشده است. بین صفات گوناگون شخصیت، صفاتی وجود دارد که بر اثر وراثت منتقل می‌شوند. حاملان این صفات «ژنها» هستند. علم به این موضوع در جرم‌شناسی بالینی، واجد این اهمیت است که تأثیر وراثت را در تمایل به تکرار جرم در رابطه با زندانیان، تبیین می‌نماید. مطالعات و پژوهش‌های جدید، صرف‌نظر از نظریات سنتی لومبروزو، جایگاه خاصی به این‌گونه شناخت‌ها داده است. مطالعات علمی جدید، اهمیت عوامل ژنتیک را در شخصیت روان رنجه‌ها، ثابت کرده است. بدین ترتیب زمانی که بتوان نقش بعضی از عدم اختلال‌های منش را در فعلیت یافتن بعضی از رفتارهای بزهکارانه شناخت، می‌توان تصور کرد که وراثت و علت‌شناسی جرم و تمایلات مربوط به تکرار جرم، اهمیت خاصی دارند.

در کنار عوامل فردی نباید از تأثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری شخصیت غفلت نمود. پژوهش‌های متعدد ثابت کرده است که وقتی فساد موجب بروز اختلال در رفتار طبیعی خانواده نسبت به طفل شود، در غالب موارد، پس از مدتی شاهد بروز رفتارهای غیرقانونی و انحراف‌گونه، خواهیم بود.<sup>(۱)</sup> لذا در مطالعات بالینی برای شناخت شخصیت فرد بزهکار توجه به نقش اجتناب‌ناپذیر محیط خانواده در بروز بزهکاری، در مطالعات بالینی برای شناخت شخصیت فرد بزهکار بسیار با اهمیت است. مسکن و همسایگی نیز به عنوان محیط‌های اجتناب‌ناپذیر، در ارزیابی احتمال تکرار جرم مفید و مؤثرند. بررسی‌های گوناگون در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نوجوانان بزهکار به طور نسبی غالباً از مجتمع‌های مسکونی و خانه‌های محقر بوده‌اند.

۱. مرتضوی (شهرناز)، روان‌شناسی محیط، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال ۱۳۶۷،

تحقیقات کلیفورد شاو و همکارانش در شهر شیکاگو نشان می‌دهد که تعداد زیادی از بزهکاران متعلق به محله‌هایی بودند که از نظر اجتماعی و اخلاقی فاسد بودند.<sup>(۱)</sup> بدیهی است چنانچه بزهکاران پس از ارتکاب جرم در محله‌های مساعد برای ارتکاب جرم قرار گیرند، احتمال تکرار جرم در آنها بسیار افزایش خواهد یافت.

در خصوص محیط حرفه‌ای نیز عده‌ای از پژوهشگران تأکید نموده‌اند که محیط کار ممکن است در نیروی روانی بازدارنده فرد، مؤثر واقع شود یا با تغییر دادن آن در شکل‌گیری شخصیت فرد تأثیر گذارد.<sup>(۲)</sup>

با توجه به اینکه در جرائمی که مجازات حبس ندارند، مجالی برای استفاده از سازوکارهای جرم‌شناسی بالینی نیست، به ناچار این تدابیر را باید در راستای اجرای مجازات زندان جست و جو کرد.

به منظور مفید و مؤثر نمودن کارکردهای جامعه‌پذیری و بازگشت مجدد زندانیان به جامعه قبل از هر چیز و پس از پذیرش زندانی باید نسبت به شناسایی شخصیت او همت گمارد تا طبقه‌بندی زندانیان با توجه به شناختی که براساس بررسی‌های خاص به دست آمده است، به نحو مطلوب انجام شود. بنابراین باید پرونده شخصیت تشکیل شود.

تشکیل پرونده شخصیت راهگشای آگاهی نسبت به نارسایی‌هایی است که زندانی با آنها سروکار داشته است. ورواک محقق بلژیکی در سال ۱۹۲۵ در جریان کنگره بین‌المللی علوم زندان‌ها در لندن بررسی پزشکی زندانیان را مطرح و از آن دفاع کرده بود. به نظر وی  $\frac{۳}{۴}$  جمعیت زندانیان بیمارانی هستند

---

۱. ولد (جرج) و دیگران، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه شجاعی (علی)، انتشارات سمت، تهران، سال ۱۳۸۰، ص ۲۰۲.

2. David Row, Wayne osgood and Alan Nicewander (1990): A Later Trait Approach to unifying Criminal career, *Criminology*, 28 (2), p.256.

که غالباً بیماری آنها ناشناخته مانده است.<sup>(۱)</sup> در ایران تشکیل پرونده شخصیت در آئین نامه سازمان امور زندان‌ها مصوب ۱۳۸۰ پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۵۹ این آئین‌نامه: «در هر زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت زندانیان و طبقه‌بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌گردد که تهیه، تنظیم و نگهداری پرونده شخصیت زندانی به شرح مواد بعدی به عهده این قسمت است». بر اساس ماده ۶۰ آئین‌نامه فوق، محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایش‌های پزشکی، روان‌پزشکی، آزمون‌های روان‌شناختی، و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی و معلومات و اطلاعات مذهبی، علمی و فنی آنان از جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می‌گردد. مددکاران اجتماعی طبق فرم‌های تنظیمی که بر اساس موازین اسلامی از سوی سازمان زندان‌ها تهیه می‌شود در خصوص سوابق زندگی محکوم علیه تحقیقات لازم را به عمل آورده و گزارش‌های کاملی از گذشته محکوم از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط‌های مختلف خانوادگی، تحصیلی، محلی - حرفه‌ای و غیره را با اظهار نظر خود تهیه می‌کنند. با اتمام مدت اقامت زندانی در قسمت پذیرش و تشخیص کلیه گزارش‌های متخصصان در پرونده او متمرکز می‌شود تا در شورای طبقه‌بندی مطرح شود. شورای طبقه‌بندی که علاوه بر مسئولین واحدهای قضایی، فرهنگی، انتظامی، یک روان‌شناس و یک مددکار اجتماعی نیز در آن عضویت دارند، با استفاده از پرونده شخصیت نسبت به تعیین و تقسیم محل استقرار زندانی اتخاذ تصمیم می‌نمایند. بدین ترتیب زندانی حسب سابقه، جنسیت، سن، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمت‌های زندان معرفی می‌شود.

۱. کی‌نیا (مهدی)، علوم جنائی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۶، جلد ۳، ص ۱۶۳۹.

از دقت در مواد آئین‌نامه سازمان زندان‌ها استنباط می‌شود که تشکیل پرونده شخصیت که با تکیه بر دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی است، غالباً در سه مرحله متمایز مشاهده، تفسیر و تجربه صورت می‌گیرد: در این راستا متخصصان باید تلاش کنند تا شخصیت فرد مورد نظر را شناسایی کنند. برای نیل به این هدف ضروری است تعداد زیادی از متخصصان جرم‌شناسی علاوه بر سایر متخصصان در مرکز مشاهده خدمت نمایند تا هر یک به روش مخصوص خود نسبت به بررسی فرد اقدام نمایند. این متخصصان رشته‌های مختلف باید به تنهایی فرد را مورد معاینه و آزمایش قرار دهند و آنگاه نتایج معاینات و آزمایش‌های خود را با دیگران تطبیق نمایند. طبیعتاً اگر تعارضی در نتایج ملاحظه شود باید برای رفع تعارض و اشتباه آزمون‌های دیگری تکرار شود تا در تنظیم معادله شخصیت فرد، هیچ‌گونه خطایی راه نیابد.

پژوهش‌های اجتماعی قاعده‌تاً می‌تواند اولین بررسی عمیقی باشد که درباره فرد به اجرا در می‌آید و این امر معمولاً از یک مددکار اجتماعی برمی‌آید. مددکاران اجتماعی باید اطلاعات دقیق در مورد محل نشو و نمای زندانی و اشخاصی که در تعلیم و تربیت رشد او مؤثر بوده‌اند مانند: والدین، دوستان، رؤسای ادارات، همکاران و همبازی‌ها، به دست آورند.

تحقیق مددکار اجتماعی باید سهم وراثت و محیط را در بروز بزهکاری روشن نماید. طبیعی است چنین فردی نباید با مفاهیم پزشکی و روان‌پزشکی بیگانه باشد.

پژوهش‌های اجتماعی زمینه را برای انجام آزمایش‌های پزشکی فراهم می‌کند. آزمایش پزشکی می‌تواند به علل رفتار کودکانه بزهکار و بزرگسال، عدم رشد ناشی از اختلال غدد مترشحه داخلی و آثار اختلال عصبی پی ببرد. زیرا امروزه تحقیقات جدید نشان داده است که اختلال دستگاه عصبی در بروز رفتارهای بزهکار نقش اساسی دارد.

آزمایش روان‌پزشکی قسمت عمده آزمایش‌های بالینی است که از طریق

مصاحبه و روان‌کاوی صورت می‌گیرد. اهمیت این قسمت از بررسی‌های بالینی به حدی است که عده‌ای از روان‌پزشکان مدعی شده‌اند، بزهدکاران مکرر را می‌توان از طریق توسل به ابزارهای روان‌پزشکی تشخیص داد. در ایالت ماساچوست آمریکا پژوهشی در طول ده سال انجام شد که به دنبال پیش‌بینی تکرار جرم از یک گروه خاص مجرمان خطرناک بود. به موازات نتایج چنین پژوهشی، پژوهشگران توانستند ارتکاب حدود  $\frac{3}{4}$  از جرائم خشونت‌بار را که در نهایت اتفاق افتاد، پیش‌بینی کنند.<sup>(۱)</sup>

بدیهی است ارزش آزمایش‌های روان‌پزشکی تابع صلاحیت علمی شخصیت آزمونگر و میزان دقت وسایل آزمون و شرایط و اوضاع و احوالی است که تحت آن شرایط آزمون به عمل آمده است. هدف اصلی این آزمون‌ها پی‌بردن به وضع عقلانی شخص زندانی است و معمولاً هنگامی این آزمون‌ها ضروری‌تر می‌گردد که شبهه بیماری روانی مطرح باشد.

آزمایش‌های روان‌شناسی نیز که بر پایه بررسی قسمت‌ها قرار دارد، امکان بررسی رفتار انسانی را فراهم می‌کند. بدین ترتیب می‌توان با توسل به نتایج آزمایش‌ها و پژوهش‌های فوق برای تیپ‌های مختلف انسانی با درجاتی از احتمال، نمونه‌هایی را به مثابه معیار و الگو مطرح کرد.

در سطح بین‌المللی نیز تأکیدات فراوانی بر انجام بررسی‌های بالینی محکومان و زندانیان، شده است به طوری که سازمان ملل متحد از نیم قرن گذشته که مجمع اروپایی بروکسل را تشکیل داد به دولت‌های عضو توصیه کرد که انجام آزمایش‌های پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی متهمان و محکومان را در قوانین خود منظور نمایند.

بدیهی است در پرتو آزمایش‌ها و بررسی‌های بالینی یاد شده می‌توان به

1. Kozol Harry L. Richard J. Boucher: The Diagnosis and Treatment of Dangerousness, crime and Delinquency (18). pp. 371-380.

توفیق در شناخت شخصیت زندانی، طبقه‌بندی و تجویز تدابیر لازم نسبت به وی، امیدوار بود. اما موفقیت در این مرحله به معنای اتمام رسالت دستاوردهای بالینی نیست. مرحله بسیار مهم دیگری باقی است تا این تدابیر کامل‌تر و امیدواری به پیشگیری از تکرار جرم بیشتر گردد. این مرحله عبارت است از: مراقبت بعد از خروج. بزهکاری که مدتی توانایی و قابلیت وی در انجام بسیاری از امور اجتماعی سلب شده بود، بعد از اتمام مجازات لازم است به مدد بعضی از مراجع این توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را به تدریج باز یابد.

چنانچه زندانی پس از اتمام مجازات زندان بدون هیچ‌گونه نظارت و کنترل و مراقبت به جامعه برگردد، چه بسا همان راهی را بپیماید که نتیجه‌اش سقوط در منجلاب بزهکاری است و تمامی هزینه‌ها و زحماتی که صرف اصلاح او شده بود به فراموشی سپرده شود. لذا ضروری است زندانی پس از آزادی تحت مراقبت و نظارت خاصی قرار گیرد.

بند «ن» ماده ۲۰ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها، برنامه‌ریزی برای مراقبت بعد از خروج زندانی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط را به عنوان یکی از وظایف سازمان زندان‌ها بر شمرده است. ماده ۲۲۵ آئین‌نامه فوق نیز تصریح دارد: «... اداره مراقبت بعد از خروج با همکاری و کمک انجمن حمایت از زندانیان و انجمن‌های خیریه و ادارات ذی‌ربط و مشاغل وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به زندانیانی که مأوی و شغلی ندارند، حداقل تا سه ماه پس از آزادی از زندان حمایت مادی و معنوی به عمل می‌آورند.» اما اقدامات و وظایف اصلی ادارات مراقبت بعد از خروج در آئین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج مصوب ۱۳۷۸ آمده است. ماده ۱ آئین‌نامه اخیرالذکر فلسفه ایجاد این مراکز را در راستای اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی زندانیان آزاد شده و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی، دانسته است و مجدداً در

ماده ۶ این آئین‌نامه تأکید شده است: «کلیه اقدامات ادارهٔ مراقبت بعد از خروج باید در جهت اصلاح و تربیت و فراهم آوردن زندگی سالم اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مددجویان برنامه‌ریزی و صورت پذیرد.»

بدیهی است پیگیری اهداف فوق با پیشگیری از تکرار جرم همسو است. زیرا اصلاح بزهکار از طریق توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وی، به معنی از بین بردن وسوسه‌ها و زمینه‌های ارتکاب مجدد جرم است. وظایف ادارهٔ مراقبت بعد از خروج در ماده ۳ آئین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج به این شرح احصا شده است:

الف - ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان.

ب - ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشت و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی و غیره.

ج - نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب و...

د - جذب کمک‌های مردمی و انجمن‌ها و مؤسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانوادهٔ آنان.

ه - استفاده از پزشکان، مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت، صاحبان تخصص و حرف و امثال آن.

و - تأسیس صندوق حمایت از مددجویان که اساسنامه آن توسط دفتر قوانین و مقررات سازمان تهیه و به تصویب رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور خواهد رسید.

ز - احداث و تهیه اماکن و تأسیسات و امکانات متناسب و مورد نیاز. بدیهی است چنانچه امکانات لازم در اختیار مراکز مراقبت بعد از خروج



قرار داده شود تا این مراکز بتوانند به وظایف مندرج در آئین‌نامه عمل کنند، مسلماً بسیاری از بزه‌کاران پس از آزادی از زندان اندیشه ارتکاب مجدد جرم را از ذهن خود دور کرده و به زندگی سالم اجتماعی باز خواهند گشت. به هر حال توفیق سازمان زندان‌ها در پیشگیری بالینی از تکرار جرم مستلزم عمل به وظایفی است که در آئین‌نامه سازمان زندان‌ها در راستای عملی کردن تدابیر بالینی و آئین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج است. چنانچه موارد فوق مورد توجه خاص سازمان زندان‌ها قرار گیرد، به نظر می‌رسد قسمت آخر بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی مبنی بر «اقدام مناسب ... اصلاح مجرمان» در قوه قضائیه به مرحله اجرا در آمده است. همچنین پیشگیری قضایی مندرج در بند ج ماده ۲ پیش‌نویس قانون پیشگیری از وقوع جرم، دایر بر «تدابیر و اقدام‌های دستگاه‌های قضایی در خصوص پیشگیری از تکرار جرم...» که به عنوان پیشگیری قضایی مورد توجه قرار گرفته است، جامه عمل خواهد پوشید. امید است با توجه به وظیفه مندرج در ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر: بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی، قوه قضائیه بتواند در پیشگیری از تکرار جرم، لاقفل در مورد مرتکبان جرائم دارای مجازات حبس، موفق باشد.